

دانشنامه فلسفه استنفورد

فلسفه پول و مانی



بسم الله
الرفيع
الرفيع



The mark of
responsible forestry
FSC® C009732

سرشناسه: زالتا، ادوارد ان، ۱۹۵۲-م، Zalta, Edward N, ۱۹۵۲

عنوان و نام پدیدآور: فلسفه پول و مالی

نویسنده: ادواردان زالتا

مترجم: محمد رهبان

ویراستار ارشد: مینا والی

ویراستار محتوایی: قاسم سرافرازی

ویراستار: یلدا شایسته‌فر

مشخصات نشر: تهران: راه پرداخت، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۷۲ص

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۷۰۲-۰۸-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: کتاب حاضر ترجمه مقاله‌ای با عنوان "philosophy of money and

finance" از دایره‌المعارف "The Stanford encyclopedia of philosophy" است.

یادداشت: بالایی عنوان: دانشنامه فلسفه استنفورد.

موضوع: پول-فلسفه

موضوع: Money-Philosophy

موضوع: امور مالی

موضوع: Finance

شناسه افزوده: رهبان، محمد، ۱۳۶۷-، مترجم

رده بندی کنگره: HG۲۲۱

رده بندی دیویی: ۳۳۲/۴۰۱

شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۱۲۹۵۶

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

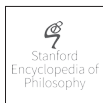
دانشنامه فلسفه استنفورد

فلسفه

پول

و حاشی





عنوان: فلسفه پول و مالی

ناشر: انتشارات راهپرداخت

نویسنده: ادوارد ان. زالتا

مترجم: محمدرهبان

ویراستار ارشد: مینا والی

ویراستار محتوایی: قاسم سرافرازی

ویراستار فنی: یلدا شایسته‌فر

بازبینی نهایی متن: رضا قربانی

صفحه‌آرا: علیرضا کیوان

ناظر چاپ: قادر شهبازی

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۷۰۲-۰۸-۸

تلفن: ۰۲۱-۴۴۴۴۳۹۶۶

دورنگار: ۸۹۷۸۴۹۰۲

ایمیل: info@way2pay.press

وبسایت: way2pay.shop

لیتوگرافی: هنراشکان

چاپ و صحافی: واژه

همه حقوق چاپ و نشر این اثر برای «انتشارات راهپرداخت» محفوظ است. هرگونه تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شکل و شیوه (چاپی، صوتی، ویدئویی، دیجیتال و...) بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است.

فروشگاه انتشارات راهپرداخت نشانی: تهران، جنت‌آباد جنوبی، خیابان لاله غربی، روبه‌روی پاساژ سمرقند، خیابان حدیث، کوچه حدیث دوم، پلاک ۸

@Way2Paypress

Way2Pay.press

@Way2Pay_Network

فهرست

۱. متافیزیک ۱۴

پول چیست؟
امور مالی چیست؟

۲. معرفت‌شناسی ۲۴

۳. فلسفه علم ۲۸

۴. اخلاقیات ۳۴

پول به‌عنوان ریشه همه بدی‌ها
پول‌دوستی
رباخواری و سود
سفته‌بازی و قمار
عدالت در بازارهای مالی
فریبکاری و کلاهبرداری
اجتناب از تعارض منافع
معامله از طریق سوءاستفاده از اطلاعات محرمانه
مسئولیت اجتماعی مالی

ریسک سیستمی و بحران‌های مالی
سرمایه‌گذاری خرد
سرمایه‌گذاری با مسئولیت اجتماعی

۶۰

۵. فلسفه سیاسی

مالی‌سازی و دموکراسی
امور مالی، پول و عدالت داخلی
امور مالی و عدالت جهانی

[یادداشت ناشر]

فلسفه پول نام کتابی از گئورگ زیمل جامعه‌شناس و فیلسوف نوکانتی آلمانی و درباره جامعه‌شناسی اقتصادی است. این کتاب در سال ۱۹۰۰ منتشر و هفت سال بعد با ۷۰۰ صفحه تجدید چاپ شد. دو ترجمه از این کتاب به زبان فارسی منتشر شده؛ یکی با ترجمه شهناز مسمی پرست که بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه منتشر کرده و نسخه دیگری که جواد گنجی و صالح نجفی ترجمه و نشر مرکز منتشر کرده است.

در صنعت نشر ایران هیچ انتشاراتی به صورت پیوسته به موضوع فلسفه پول نپرداخته است؛ راه پرداخت احتمالاً اولین ناشر فارسی زبان است که تمرکزش را بر فلسفه، جامعه‌شناسی و روانشناسی پول قرار داده است. در سال‌های گذشته تغییر دیدگاه‌ها و شکل‌گیری مباحث بین‌رشته‌ای مانند اقتصاد رفتاری و البته توسعه فناوری و کاربرد نوآوری در عرصه‌های مالی باعث شده حوزه‌های جدیدی برای تفکر و فلسفیدن باز شود. پول تا پیش از این که تحت تأثیر فناوری به موضوعی قابل درک برای عموم مردم تبدیل شود بر برج عاجی نشسته بود که کسی رایاری رسیدن به آن و تعمق درباره آن نبود. فناوری پول را از برج عاج خود به پایین کشید و آن را به امری روزمره در حوزه اندیشه تبدیل کرد.

با این حال کسانی که در گذشته درباره پول اندیشیده‌اند بسیار جلوتر از ما بودند که حتی بدون تسهیل فناوری ماهیت پول را کنکاش کردند. کتاب فلسفه پول شامل دو فصل و هر فصل حاوی سه بخش است که در

آن، زیمل پول را به هر پدیده اجتماعی قابل تصور مربوط می‌کند. به علاوه در مورد ارتباط حل نشدنی بین پول و فرد، و بالاخره کلیت جامعه مدرن در این کتاب به بحث می‌پردازد. فصل اول کتاب زیمل تحلیلی بوده و هدف آن بررسی و تحلیل پیدایش پول، فارغ از پیش شرط‌های زندگی اجتماعی است. اساساً، او نوعی مطالعه از پول را پیشنهاد می‌کند که از رویکرد خالص اقتصادی فراتر رود. فصل دوم کتاب حول فلسفه پول ترکیبی بحث می‌کند و به آشکارسازی کارهای انجام شده در مورد پول در دنیا می‌پردازد. این دنیا، دنیای افراد، فرهنگ و جامعه است. این موضوع زیمل را به سمت تحلیل پول در روابط آزاد افراد هدایت می‌کند. علی‌ای حال پول همه‌جا هست و برای برخی، همه‌چیز است؛ نکته عجیب اینجاست که پول به معنای دقیق کلمه فی‌نفسه و به‌تنهایی هیچ است؛ حتی سکه تقریباً تهی از فلزات گرانبهاست و پول‌های کاغذی چیزی جز کاغذهایی با تصاویر چاپی نامفهوم نیست. فلسفه پول یک موضوع میان‌رشته‌ای است که نمی‌توان آن را متعلق به هیچ رشته مشخصی دانست. همان‌گونه که زیمل نوعی مطالعه از پول را پیشنهاد می‌کند که از رویکرد صرف اقتصادی فراتر می‌رود ما نیز باید فراتر از توصیه‌های اقتصاددان‌ها پول را بررسی کنیم؛ همان‌گونه که اقتصاد مهم‌تر از آن است که به دست اقتصاددان‌ها سپرده شود پول هم مفهومی مهم و تأثیرگذارتر از آن است که تنها به دست اقتصاددان‌ها و فعالان حوزه مالی سپرده شود.



فلسفه و امور مالی ممکن است دو مقوله کاملاً متفاوت به نظر آیند، ولی حداقل هر دو جد مشترکی به نام «تالس» داشتند. تالس را معمولاً اولین فیلسوف می‌شناسند، ولی او یک مبتکر مالی هم بود. به نظر می‌آید او در آن زمان مثل یک معامله‌گر اختیار معامله امروزی بوده است. او زمانی پیش‌بینی کرد که سال بعد برداشت زیتون بسیار سودمند خواهد بود؛ بنابراین در ازای حق بهره‌بردن از سود سال آینده، مقدار کمی پول به صاحبان دستگاه تولید روغن زیتون پرداخت کرد. زمانی که پیش‌بینی تالس درست از آب درآمد برای اجاره دستگاه‌های تولید روغن زیتون رقم بالایی دریافت کرد (سیاست ارسطو، ۱۲۵۹).

بدیهی است که از زمان تالس تاکنون، هم در مسائل مالی و هم در دیدگاه‌های سیاسی و اخلاقی نسبت به مسائل مالی تغییرات زیادی ایجاد شده است. اسکناس و پول الکترونیکی به‌طور گسترده‌ای جایگزین سکه شده‌اند و برای سهولت در انجام تراکنش پول و دیگر دارایی‌های مالی زیرساخت‌های وسیعی ایجاد شده‌اند. این اقدامات با مواردی مثل بانک‌های تجاری، بانک‌های مرکزی، شرکت‌های بیمه، بورس اوراق بهادار و صندوق‌های سرمایه‌گذاری انجام شده است. این تعدد سازمانی به دلیل تلاش‌های هماهنگ نهادهای عمومی و خصوصی و همچنین ابتکار در اقتصاد و صنعت مالی است (شیلر، ۲۰۱۲).

حساسیت‌های سیاسی و اخلاقی ما هم از جهات مختلفی تغییر کرده است. به نظر عادلانه می‌آید اگر بگوییم اخلاق‌شناسان قدیمی نگرش منفی نسبت به فعالیت‌های مالی داشتند. برای مثال به

پاک‌سازی کلیسا از نزول خوارها توسط عیسی مسیح و همچنین به محکومیت پول به عنوان «ریشه همه بدی‌ها» فکر کنید. با توجه به این موضوع، نگرش‌ها در طول زمان ملایم‌تر شده‌اند. با این حال، بحث‌های اخلاقی همچنان ادامه دارند؛ به خصوص، در ارتباط با رسوایی‌ها و بحران‌های بزرگ مالی؛ یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های اخیر به‌طور قطع بحران مالی سال ۲۰۰۸ است.

این کتاب به توصیف موضوعاتی می‌پردازد که تحلیل‌های فلسفی در مورد پول و امور مالی ارائه می‌دهند. این کتاب به پنج بخش تقسیم می‌شود که به ترتیب شامل ۱. پول و امور مالی دقیقاً چه هستند؟ (متافیزیک)، ۲. دانش مرتبط به مسائل مالی چگونه باید ایجاد شود؟ (اپیستمولوژی یا معرفت‌شناسی)، ۳. مزایا و معایب اقتصاد مالی (فلسفه علم)، ۴. مشکلات اخلاقی مرتبط با پول و امور مالی (اخلاقی) و ۵. رابطه بین سیاست و امور مالی (فلسفه سیاسی) می‌شود.

۱. متافیزیک

□ پول چیست؟

□ امور مالی چیست؟

۲. معرفت‌شناسی

۳. فلسفه علم

۴. اخلاقیات

□ پول به عنوان ریشه همه شرها

□ پول دوستی

□ رباخواری و سود

- سفته بازی و قمار
- عدالت در بازارهای مالی
- فریبکاری و کلاهبرداری
- اجتناب از تعارض منافع
- معامله از طریق سوءاستفاده از اطلاعات محرمانه
- مسئولیت اجتماعی مالی
- ریسک سیستمی و بحران های مالی
- سرمایه گذاری خرد
- سرمایه گذاری با مسئولیت اجتماعی

۵. فلسفه سیاسی

- مالی سازی و دموکراسی
- امور مالی، پول و عدالت داخلی
- امور مالی و عدالت جهانی



متافیزیک

پول چیست؟

پول همواره در زندگی مدرن وجود داشته؛ به طوری که همیشه ماهیت و موجودیت آن را بدیهی می‌پنداریم. آیا واقعاً می‌دانیم پول چیست؟ دو نظریه متضاد وجود دارد که اساساً آنتولوژی‌های (هستی‌شناسی) متفاوتی در مورد پول ارائه می‌دهند.

نظریه کالایی پول یک نظریه کلاسیک است که به دوران ارسطو (سیاست، ۱۲۵۶-۱۲۵۵) برمی‌گردد و ادعا دارد که پول نوعی کالا است که سه کاربرد دارد و در قالب وسیله‌ای برای مبادله، واحد حساب و ذخیره ارزش ارائه می‌شود. جامعه‌ای را تصور کنید که پول در آن وجود ندارد و مردم مجبور هستند با یکدیگر معامله پایاپای انجام دهند. معامله پایاپای زمانی کارساز است که درخواست دوجانبه وجود داشته باشد، یعنی دو فردی که می‌خواهند با یکدیگر معامله کنند هر کدام کالاهایی داشته باشند که فرد مقابل به آن نیاز دارد؛ در غیر این صورت این معامله امکان‌پذیر نیست. به دلیل اینکه احتمال این اتفاق بسیار کم است، اقتصاد معاملات پایاپای پردردسر و بی‌فایده به نظر می‌رسد (اسمیت، ۱۷۷۶، مِنگر، ۱۸۹۲). زمانی مردم به این نتیجه رسیدند که می‌توانند با استفاده از یک کالای واسطه (پول) راحت‌تر

معامله کنند. این کالای واسطه باید به راحتی مدیریت و ذخیره شود و به آسانی انتقال یابد (کاربرد اول). این کالا باید به راحتی اندازه گیری شده و برای سهولت در محاسبه تقسیم شود (کاربرد دوم). همچنین این کالا نباید به راحتی نابود شود، پس باید در طول زمان دوام زیادی داشته باشد (کاربرد سوم).

تاریخ پول را می توان یک روند بهبود در نظر گرفت که با توجه به این سه کاربرد پول اتفاق افتاده است (فرگوسن، ۲۰۰۸، ویترفورد، ۱۹۹۷). برای مثال، بعضی از جوامع اولیه از نیازهای اساسی خود مثل گاو یا غلات به عنوان پول استفاده می کردند. جوامع دیگر کالاهایی را انتخاب می کردند که مدیریت و شمارش آنها راحت تر بوده و ارزش غیرمستقیم بیشتری داشته باشد که شامل صدف یا فلزات گران بها می شد. در طول تاریخ شکل همیشگی پول، سکه های طلا و نقره بوده است؛ بنابراین نظریه کالایی پول بعضی مواقع «نظریه متالیسم» هم نامیده می شود (نپ، ۱۹۲۴، شومپیتر، ۱۹۵۴). ساخت سکه اقدامی توسعه یافته نسبت به شمش است که کمیت و خلوص آن به وسیله شخص ثالثی مثل دولت تضمین می شود. در آخر، می توان اسکناس را روشی برای ساده سازی معامله با سکه در نظر گرفت. برای مثال، یک اسکناس بانکی که در سال ۱۷۰۰ صادر شد، وعده ای بود تا مقدار مشخصی پوند نقره استرلینگ به حامل پرداخت شود (بنابراین ریشه نام واحد پول بریتانیا یعنی «پوند استرلینگ»، به این زمان برمی گردد). تعداد کثیری از اقتصاددانان کلاسیک از نظریه کالایی پول دفاع کردند و هنوز می توان این نظریه را در برخی کتاب های اقتصادی پیدا

کرد (منکیو، ۲۰۰۹، پارکین، ۲۰۱۱). این واقعیت جدید کمی غیرعادی است؛ زیرا باعث به وجود آمدن انتقادات جدی و پایداری شده است. یکی از مشکلات بدیهی که این نظریه متصور می‌شود، این است که به‌سختی می‌توان تورم و کاهش ارزش پول را در طول تاریخ را در آن توضیح داد (اینس، ۱۹۱۳، کینز، ۱۹۳۶). همچنین به‌دلیل اینکه برخی افراد فکر می‌کردند این نظریه از لحاظ تاریخی نادرست است، به آن اعتراض کردند. برای مثال، مطالعات اخیر مردم‌شناسی این ایده را که جوامع اولیه از اقتصاد معامله پایاپای به پول تغییر یافتند، زیر سؤال می‌برد و این‌طور به نظر می‌آید که پول برای پیگیری روابط اعتباری موجود روی کار آمد (گرابر، ۲۰۱۱، مارتین، ۲۰۱۳، داگلاس، ۲۰۱۶).

در نظریه اعتبار پول با توجه به نظریه رقیب اصلی، سکه و اسکناس صرفاً توکن‌هایی از موضوعی انتزاعی تر هستند و پول به جای یک کالای فیزیکی بیشتر مثل یک بنای اجتماعی است. موجودیت انتزاعی مورد بحث یک رابطه اعتباری است، یعنی وعده‌ای از طرف شخصی است که می‌خواهد کاری (محصول یا خدمات) را برای فردی که توکن دارد، انجام دهد. این وعده برای اینکه بتواند کارکرد پول را داشته باشد، دو ویژگی مهم دیگر لازم دارد:

۱. وعده شخص باید معتبر باشد، یعنی شخص صادرکننده باید «دارای اعتبار» باشد.

۲. اعتبار باید قابلیت انتقال داشته باشد، یعنی دیگران هم آن را به‌عنوان پرداخت برای معامله بپذیرند.

با توجه به باور رایج، دولت معتبرترین صادرکننده پول است. این

باور، توضیحی جایگزین را در مورد اهمیت ویژه سکه و اسکناس که ارزش آنها توسط دولت تضمین شده است، فراهم می‌کند. لازم به ذکر است که این نظریه می‌تواند اصطلاح پول فیات را هم توضیح دهد. پول فیات پولی است که توسط دولت تأیید شده، ولی نمی‌توان آن را با هیچ کالایی مثل طلا یا نقره معامله کرد. پول فیات از سال ۱۹۷۱ به عنوان پول غالب در جهان وجود داشته است؛ زمانی که ایالات متحده آمریکا به قابلیت تبدیل کردن دلار به طلا پایان داد.

دیدگاهی که اعتقاد دارد فقط دولت می‌تواند پول صادر کند، کارتالیسم (chartalism) یا نظریه دولتی پول نام دارد (نپ، ۱۹۲۴). با این حال، برای داشتن درک درستی از سیستم فعلی پول، بسیار مهم است که تفاوت میان پولی را که دولت صادر می‌کند و پولی که به عنوان پول رایج پذیرفته شده است بدانیم. بسیاری از پول‌های اعتباری در اقتصاد امروزی در واقع توسط بانک‌های تجاری از طریق عملیات وام‌دهی صادر می‌شوند و دولت فقط در ارائه ضمانت نسبت به قابلیت تبدیل سپرده‌های بانکی به پول نقد، نقش دارد (پتیفور، ۲۰۱۴).

دیدگاه منتقدان به نظریه اعتبار معمولاً هنجاری است و بر ریسک گسترش بیش از حد پول تمرکز می‌کنند؛ به این معنی که ممکن است دولت‌ها (و بانک‌ها) از «چاپخانه پول‌شان» بیش از حد استفاده کنند که در نهایت به سطح بدهی ناپایدار، تورم بیش از حد، بی‌ثباتی مالی و بحران اقتصادی منجر می‌شود. این موارد بعضی اوقات به عنوان استدلال‌هایی برای بازگشت به استاندارد طلا محسوب می‌شوند

(راتبارد، ۱۹۸۳، شیلیشتر، ۲۰۱۴). با این حال، گروهی دیگر بر این باورند که دانستن اینکه پول به صورت اجتماعی ساخته می‌شود، بهترین نقطه شروع برای ایجاد یک برنامه مالی پایدارتر و عادلانه‌تر است (گراپر، ۲۰۱۰، پتیفور، ۲۰۱۴). در ادامه، این بحث سیاسی را ادامه خواهیم داد.

هستی‌شناسی اجتماعی پول می‌گوید «بنای اجتماعی» پول دقیقاً چگونه عمل می‌کند؟ این سؤال با توجه به اینکه کدام پول معمولاً به عنوان نمونه اولیه به کار می‌رود، باعث به وجود آمدن مشکلات فلسفی بیشتری نسبت به هستی‌شناسی اجتماعی می‌شود.

توصیفی تأثیرگذار از هستی‌شناسی اجتماعی می‌گوید که پول نوعی نهاد اجتماعی است که موجودیت آن به «قصیدیت جمعی» (collective intentionality) بستگی دارد. قصیدیت جمعی به معنی باورها و نگرش‌های مشترک در یک جامعه است (سیرل، ۱۹۹۵، ۲۰۱۰، اسمیت، بوکنز و دوپلیسیس، ۲۰۱۱).

روند این‌طور آغاز می‌شود که فردی به صورت یک‌جانبه و ساده ادعا می‌کند که این شیء پول است. این کار مثل یک کنش گفتاری است که می‌تواند واقعیت اجتماعی را تغییر دهد (آستین، ۱۹۶۲). زمانی که افراد دیگر این ادعا را بپذیرند یا به رسمیت بشناسند، به یک قانون اجتماعی ماندگار تبدیل می‌شود. بنابراین، گفته می‌شود که پول به نگرش‌های شخصی ما بستگی دارد، ولی (صرفاً) در ذهن ما وجود ندارد. در یک توصیف فلسفی-اجتماعی اولیه، «جورج زیمل»، پول را به عنوان نهادی توصیف می‌کند که برای مدرنیته پیش‌نیاز حیاتی

است؛ زیرا می‌توان به وسیله آن ارزش اشیا را تعیین و معاملات را ساده‌سازی کرد. او همچنین روشی را مورد انتقاد قرار داد که از طریق آن، پول جایگزین شکل‌های دیگر ارزش می‌شود.

امور مالی چیست؟

ممکن است فردی به مقوله «امور مالی» کلی‌تر نگاه کند (یعنی بخش یا سیستم مالی) و آن را گسترش سیستم پولی در نظر بگیرد. معمولاً گفته می‌شود بخش مالی دو کاربرد اساسی دارد که شامل حفظ سیستم پرداخت مؤثر و کمک به استفاده مؤثر از پول می‌شود. کاربرد دوم می‌تواند به دو قسمت تقسیم شود؛ ۱. جمع‌آوری افرادی که پول اضافی دارند (فردی که پس‌انداز می‌کند و سرمایه‌گذار) و افرادی که پولی ندارند (قرض‌گیرنده، کسب‌وکار) که معمولاً از طریق واسطه‌گری مالی (فعالیت داخلی بانک‌ها) یا بازارهای مالی (مثل بازار اوراق قرضه یا بازار سهام) انجام می‌شود. ۲. ایجاد فرصت‌هایی به منظور خرید و فروش پول برای اعضای فعال بازار که معمولاً از طریق ابداع محصولات مالی یا «دارایی‌ها» انجام می‌شود و با ویژگی‌هایی همراه است که به وسیله سطوح مختلف ریسک، سود و رشد کامل مشخص می‌شوند.

همان‌طور که در ابتدا به آن اشاره کردیم، سیستم مدرن مالی را می‌توان به عنوان زیرساختی در نظر گرفت که برای ساده‌سازی تراکنش‌های پولی و دیگر دارایی‌های مالی ساخته شده است. لازم به ذکر است که این سیستم شامل گروه‌های خصوصی (مثل بانک‌های تجاری، شرکت‌های بیمه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری) و گروه‌های

عمومی (مثل بانک‌های مرکزی و مقامات نظارتی) است.

«امور مالی» همچنین می‌تواند به مطالعه نظام‌مند این سیستم اشاره کند که بیشتر مواقع به موضوع اقتصادهای مالی برمی‌گردد.

دارایی‌های مالی: موضوع جالب از دیدگاه هستی‌شناسی این است که امور مالی مدرن علاوه بر پول شامل چند «نوع دارایی» است؛ نمونه‌های اصلی شامل طبقه‌بندی اعتباری (حساب بانکی و اوراق قرضه)، ارزش سهام (سهام)، ابزار مشتقه (آتی)، اختیار معامله و سوآپ) و منابع مالی (اعتماد) می‌شود. ویژگی‌های بارز دارایی‌های مالی چیست؟

در اینجا تفاوت متداول، بین دارایی‌های مالی و دارایی‌های «واقعی» مثل ساختمان‌ها و دستگاه‌ها (فابوزی، ۲۰۰۲) است؛ زیرا دارایی‌های مالی، کمتر ملموس هستند و واقعیت کمتری دارند. دقیقاً مثل پول می‌توان آنها را به عنوان بنای اجتماعی در نظر گرفت. دارایی‌های مالی معمولاً از دارایی‌های واقعی و مهم نشئت گرفته‌اند یا حداقل شامل آنها می‌شوند؛ می‌توان به عنوان مثال به رابطه بین صاحب‌خانه و سرمایه‌گذار در یک شرکت مسکن اشاره کرد. با این حال، معاملات مالی با معاملات معمولی بازار متفاوت است. در معاملات مالی دارایی‌های اساسی به ندرت دست‌به‌دست می‌شوند و به جای آن، فرد قراردادی انتزاعی را معامله می‌کند یا وعده تراکنشی در آینده را می‌دهد. در این شرایط ممکن است فرد بازار مالی را به عنوان «سطح متا» در اقتصاد در نظر بگیرد؛ زیرا شامل معاملات غیرمستقیم یا گمانه‌زنی برای موفقیت در دیگر بخش‌های اقتصادی است.

اگر بخواهیم واضح‌تر بگوییم، دارایی‌های مالی به‌عنوان وعده‌هایی برای پرداخت‌های پولی آینده تعریف می‌شوند (میشکین، ۲۰۱۶، پیلیبیم، ۲۰۱۰). اگر نظریه اعتباری پول درست باشد، می‌توان آنها را به‌عنوان وعده‌های متا در نظر گرفت که در واقع وعده‌هایی برای وعده‌های دیگر محسوب می‌شوند. سطح انتزاعی بعضی مواقع ممکن است بسیار وسیع باشد. برای مثال، یک «تعهد بدهی وثیقه‌دار ترکیبی» (یا CDO ترکیبی) که نوعی ابزار مشتقه است و قبل از بحران مالی رایج بوده است، وعده‌ای است که از سمت شخص A (فروشنده) به شخص B (خریدار) داده می‌شود؛ مبنی بر اینکه اشخاص C (سفته‌بازها) پولی را در آینده پرداخت کنند که به ضرری بستگی دارد که شخص J (دارنده ابزار مشتقه اصلی) آن را متحمل شده است که معمولاً به بخش‌هایی (به اصطلاح قسط) از جریان وجه نقد از شخص K به شخص Q (وام‌گیرندگان) بستگی دارد که در اصل وعده آن از شخص R به شخص X (وام‌دهندگان) داده شده، ولی بعد به شخص Y (خالق مشتق اصلی) فروخته شده است. کاربرد CDO ترکیبی، بیشتر به‌منظور تقسیم‌کردن ریسک بین سفته‌بازهای مختلف است.

ارزش ذاتی: شاید یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دارایی‌های مالی این باشد که قیمت آن می‌تواند با توجه به نگرش سرمایه‌گذار تغییر کند. اگر بخواهیم ساده‌تر بگوییم، دو عامل اساسی وجود دارد که قیمت دارایی مالی را تعیین می‌کند؛ یکی از آن عوامل، اعتبار یا قدرت وعده اصلی (که به جریان نقدی بستگی دارد که توسط دارایی ایجاد

می‌شود) و عامل دیگر قابلیت انتقال و متداول بودن آن در بازار است که یعنی چه تعداد سرمایه‌گذار به خرید این دارایی تمایل دارند. در فرایندی که به «کشف قیمت» معروف است، سرمایه‌گذار این عوامل را با توجه به اطلاعات موجود درباره آنها ارزیابی می‌کند و سپس برای خرید یا فروش دارایی پیشنهاد می‌دهد که در نهایت قیمت آن را بازار مشخص می‌کند (میشکین، ۲۰۱۶، پیلیم، ۲۰۱۰).

سؤال فلسفی و جالبی که پیش می‌آید، این است که آیا مقوله‌ای به نام ارزش «ذاتی» دارایی مالی وجود دارد که معمولاً در بحث‌های مربوط به بحران‌های مالی فرض می‌شود؟ برای مثال «حباب دارایی» را معمولاً به عنوان شرایطی تعریف می‌کنند که در آن بعضی دارایی‌های خاص با قیمتی خیلی فراتر از ارزش ذاتی آنها معامله می‌شود که واقعاً شرایط خطرناکی است؛ زیرا زمانی که حباب بترکد، اقتصاد با شوک بدی روبه‌رو می‌شود (کیندلبرگر، ۱۹۷۸، مینسکی، ۱۹۸۶، رینهارت و روگف، ۲۰۰۹). ارزش ذاتی یک دارایی چیست؟ به نظر می‌آید پاسخ منطقی به این سؤال این است که ارزش ذاتی به ارزش تنزیل شده جریان نقدی اصلی در آینده بستگی داشته که به عبارت دیگر به عامل اول در تعیین قیمت دارایی مالی بستگی دارد. با این حال، این عوامل هنوز باید برای محاسبه قیمت ارزیابی شوند و این ارزیابی به‌ناچار تحت تأثیر نظرات شخصی قرار می‌گیرد. همان‌طور که پیش‌تر به آن اشاره شد، این‌طور فرض می‌شود که سرمایه‌گذاران مختلف ارزش‌های متفاوتی برای دارایی‌های مالی دارند که به همین دلیل می‌توانند در وهله اول در معاملات بازار شرکت کنند.

یکی از پیامدهایی که ممکن است رخ دهد، این است که عامل اول تحت تأثیر عامل دوم قرار گیرد. درک سرمایه‌گذاران از دارایی مالی ممکن است بر اصول اساسی تأثیر بگذارد که پدیده‌ای به نام «بازتابندگی» را به وجود می‌آورد (سوروس، ۱۹۸۷، ۲۰۰۸). برای مثال شرکتی که سهامش میان سرمایه‌گذاران شهرت دارد، معمولاً راحت‌تر می‌تواند مبلغ بیشتری وام بگیرد و جریان نقدی شرکتش را گسترش دهد که در نهایت باعث می‌شود شهرت بیشتری بین سرمایه‌گذاران پیدا کند. در مقابل، زمانی که سود شرکتی نزولی شود، ممکن است شهرت خود را بین سرمایه‌گذاران از دست بدهد که در نتیجه باعث می‌شود هزینه وام گرفتن برای شرکت افزایش پیدا کند و سود شرکت بیش از پیش کاهش یابد. این پدیده ریسک ناشی از حباب‌های مالی را گسترش می‌دهد (کینز، ۱۹۳۶).

۲

معرفت‌شناسی

با توجه به انتزاعی بودن و پیچیدگی دارایی‌ها و روابط مالی که پیش از این به آنها اشاره کردیم، به سادگی می‌توان متوجه چالش‌های معرفتی که به وجود می‌آورد، شد. برای مثال، اصول اولیه مناسب برای ایجاد باورهای قابل توجه درباره مسائل پولی و مالی چیست؟ مفهوم اصلی در این قسمت، مفهوم ریسک است. از آنجایی که دارایی‌های مالی وعده‌هایی برای پرداخت‌های پولی در آینده هستند، چالش اصلی برای نهادهای مالی، توسعه انتظارات یا فرضیات منطقی در مورد نتایج مرتبط با آینده است. یکی از عوامل مهم در این زمینه سود مورد انتظار دارایی است که معمولاً به عنوان ارزش تمام نتایج احتمالی محاسبه می‌شود که از طریق احتمال وقوع شان سنجیده شده‌اند. عامل مهم بعدی ریسک مالی است که معمولاً به عنوان سطح تغییرات در این منافع محاسبه می‌شوند. مفهوم ریسک مالی از دیدگاه فلسفی بسیار جالب است؛ زیرا واکنش صنعت مالی به عدم اطمینان معرفتی را نشان می‌دهد. معمولاً گفته می‌شود سیستم مالی دقیقاً برای رسیدگی به ریسک‌های مالی و به حداقل رساندن آنهاست. برای مثال، واسطه‌گری مالی و بازارها به سرمایه‌گذاران اجازه می‌دهند تا پول

خود را در چند دارایی با ریسک‌های متفاوت سرمایه‌گذاری کنند (پیلیم، ۲۰۱۰، شیلر، ۲۰۱۲). با این حال، بسیاری از مؤلفان نسبت به جریان اصلی عملیاتی‌سازی ریسکی انتقاد داشتند که معمولاً فقط بر نوسان قیمت قدیمی تمرکز می‌کند و در نتیجه از اهمیت ریسک بحران‌های مالی در مقیاس بزرگ می‌کاهد (لانچستر، ۲۰۱۰، تاموترام و وارد، ۲۰۱۴). این موضوع بعدتر ما را به سمت پرسشی در مورد هنجارسازی اعتقادهای دانش‌هدایت می‌کند. تحقیق در مورد چنین موضوعاتی به عنوان اصول اخلاقی اعتقاد و معرفت‌شناسی فضیلت، سؤالاتی را مورد توجه قرار می‌دهد که در زمینه مسئولیت‌هایی است که موضوعاتی مربوط به مسائل معرفتی دارند. این موضوعات شامل وظایف معرفت‌شناسی می‌شود که با مالکیت، ذخیره و انتقال اطلاعات، ارزیابی شواهد و بازنگری یا نپذیرفتن باورها مرتبط است. معرفت‌شناسی فضیلت که با ارزیابی مجدد نظریه فضیلت در اصول اخلاقی کسب و کار هماهنگ است، توجه بسیاری از پژوهشگرانی را به خود جلب کرده است که روی مسائل مالی کار می‌کنند. برای مثال، بسیاری از مفسران بر ضعف‌های اخلاقی که به بحران مالی سال ۲۰۰۸ منجر شد تمرکز کرده‌اند، اما گزارش‌های در حال توسعه شکست‌های معرفتی را بررسی می‌کنند.

ضعف‌های معرفتی در امور مالی، هم در مقیاس فردی و هم در مقیاس جمعی، قابل تشخیص است (دو بروین، ۲۰۱۵). سازمان‌ها ممکن است فضیلت معرفتی شرکت را در طول سه بُعد توسعه